مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۰ ، زمستان ۱۳۹۶، ص ۳۰۴-۲۹۸
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۰ / زمستان ۱۳۹۶ / ص ۳۰۴-۲۹۸

قیام ترکان جوان و دولت عثمانی با تاکید بر رسالت روشنفکران ترک

ایرج بهزادی[۱]، جلیل پورحسن دارابی[۲]

۱-دکتری تاریخ باستان دانشگاه ازاد اسلامی واحد داراب ، ایران، نویسنده دو کتاب "اروپای بین دو جنگ" و " ایران قرن ۱۹ و پدیده عقب ماندگی" ، داور مقالات بین المللی

۲- دکتری تاریخ معاصر، مدیر گروه تاریخ و عضو هیات علمی دانشگاه ازاد اسلامی واحد داراب، نویسنده، داور مقالات بین المللی

"گروه تاریخ، دانشگاه ازاد داراب، ایران"

چکیده

بر هیچ کس پوشیده نیست که رسالت روشنفکران در طول تاریخ، به خصوص تاریخ معاصر، بی بدیل بوده است .از این رو، دولت عثمانی نیز در دوران گذار تاریخی خود، بخصوص در قرون معاصر، نیز از این قاعده مستثنی نیست و در تیررس اصلاحات اجتماعی بوده است.در این مقال، بررسی رسالت ترکان جوان، بخصوص شخصیتهایی که بیشتر تحصیل کرده جوامع غربی، همچون اروپای غربی بوده اند و در جامعه قرن ۱۹ ترکیه، تاثیر بسزایی داشته اند، بسیار مشهود می باشد. در واقع هدف ما، بررسی تاثیر دول اروپایی بر این پروسه زمانی و شناسایی ماهیت تعارض بین دولت عثمانی و ترکان جوان و ادبیات حاکم بر جامعه ترک ها و سیر تطوری شخصیت های تاثیرگذار، علی الخصوص روشنفکران دولت عثمانی، در قرون معاصر میباشد که با تحصیل در کشورهای غربی و تاثیر پذیری از جوامع اروپایی، در واقع مسبب خیزش های اصلاحی و بدنبال ان اصلاحات جامعه ترکیه و همچنین، ترویج تفکر پان ترکیسم بوده اند، نیز هستیم.

واژه های کلیدی: اصلاحات، روشنفکران ترک، ترکان جوان، دول اروپایی، پان ترکیسم

مقدمه:

از اوایل دهه ۱۸۶۰ـ ۱۸۷۸میلادی، در این دوره که با سالهای پایانی عصر تنظیمات (نوامبر ۱۸۳۹ ـ دسامبر ۱۸۷۶) مقارن است، فضای باز حاصل از اصلاحات، سبب شد تا گروهی از روشنفکران امپراتوری عثمانی، تحت تأثیر روشنگری غربی، به ترویج افکار آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه در مطبوعات بپردازند. طرحِ چنان اندیشه‌هایی در جامعه عثمانی، به تشکیل نخستین گروه سیاسی از سلسله گروهها و سازمانهای سیاسی سرّی، منجر شد. این گروه، که «اتحادیه وطن پرستان» یا «جمعیت اتفاق حمیّت» نامیده می‌شد، در ژوئن ۱۸۶۵ با شرکت شش جوان ، از جمله شخصیتهایی همچون نامق کمال(۱۸۴۰ـ ۱۸۸۸)، شاعر نام آور، در استانبول تشکیل گردید.رشد و توسعه سریع گروه و افزایش تعداد اعضای آن به ۲۴۵ نفر بنا بر ادعایی، و تمایل و توجه بعضی از دولتمردان، حتی دو شاهزاده عثمانی و یک شاهزاده مصری به گروه، گروه را در معرض فشار قرار داد و نتیجه ان تبعید بعضی از رهبران آن، همچون نامق کمال و ضیاءبیک (ابوضیا توفیق) و علی سُعاوی به نواحی دور دست خطه عثمانی شد. اما در سال ۱۸۶۷ ، با حمایت مالی همان شاهزاده مصری، اعضای گروه به پاریس مهاجرت کردند. حضور و فعالیتهای سیاسی آنان و همفکرانشان در اروپا، اصطلاح ترکهای جوان را پدید آورد. در
باره استعمال اصطلاح ترکهای جوان در پنجاه و چند ساله یادشده، بین مورخان اروپایی و ترک، اتفاق نظر وجود ندارد. رامسائور، نضج گیری نخستین گروه ترکهای جوان را در دوره سلطنت سلطان عبدالعزیز، دانسته و نخستین اعضای ترکهای جوان را چهره های آشنای خیابانهای پاریس و لندن در دهه ۱۸۶۰ میلادی به شمار آورده است. لوئیس، علاوه بر مبارزان گروهها و سازمانهای ضد رژیم عبدالحمید دوم (۱۸۷۶ـ۱۹۰۹)، نوعثمانیان را نیز در زمره ترکهای جوان آورده است. دایره المعارف جهان اسلام و آکسفورد و دایره المعارف خاورمیانه معاصر، ضمن توجه به تشابه‌ها و پیوستگی تاریخی نزدیک میان «ترکهای جوان» و «عثمانیهای جدید» قائل به تفکیک این دو جریان شده اند. نوعثمانیان در اروپا با انتشار روزنامه‌هایی همچون مخبر و حریت در لندن به ترویج افکار خود پرداختند. اصول عمومی و مشترک آنان عبارت بود از خواست نظامات اساسیه، اصلاح قانون اساسی، دموکراسی و شورای امت و مجلس ملی. البته بین آنان اختلافاتی نیز وجود داشت؛ مثلاً از نگاهی، نامق کمال و ضیاءبیک مخالف جدایی امور دینی از امور دولتی بودند و از «اصول مشورت» بر اساس دین جانبداری می‌کردند، بعضی دیگر از شخصیتها همچون مصطفی فاضل پاشا و سعاوی، نظری برخلاف آنان داشتند. در باره راه رسیدن به حکومت مشروطه هم، بعضی به مبارزه سیاسی و فکری اعتقاد داشتند، اما بعضی دیگر طرفدار شدت عمل و مبارزه مسلحانه بودند. البته به نوعی، اختلاف اصلی آن‌ها بیش‌تر در باره دو موضوع بود:
فی المثل، احمدرضا از حکومتی متمرکز و از امتزاج کلیه اتباع مسلمان و غیرمسلمان و ترک و غیرترک در قالب یک ملت نو، تحت حاکمیت خاندان عثمانی دفاع می‌کرد و تجزیه طلبی و حتی تقاضای خودمختاری اقوام و جمعیتهای غیرترک را خیانت می‌دانست، همچنین صباح الدین از ایجاد یک حکومت غیرمتمرکز و نظام ایالتی سخن می‌گفت.البته احمدرضا طرفدار مبارزه سیاسی بدون توسل به خشونت و انقلاب خونین و عدم مداخله بیگانگان در تعیین مقدرات کشور بود، ولی صباح الدین از شدت عمل و مبارزه مسلحانه و حتی کودتا و نیز مداخله قدرتهای اروپایی برای سرنگون کردن سلطان عبدالحمید و نشاندن فرد دیگری از خاندان عثمانی به جای وی جانبداری می‌کرد. همین دیدگاهها در همایش اول ترکهای جوان که از ۲۴ فوریه ۱۹۰۲ در پاریس برگزار شد، سبب انشعاب نهضت ترکهای جوان به گروههای عمده شد.پس حاجت ما در این مقال، به طرح پرسش ها و طرح فرضیه هایی منتهی می شود که به شرح زیر است.

سوالات:

۱-قیام ترکان جوان و سیر تطوری پروسه اصلاح گری در امپراطوری عثمانی، تحت تاثیر چه عوامل خارجی، شکل گرفته است؟

۲- قیام ترکان جوان و سیر تطوری پروسه اصلاح گری در امپراطوری عثمانی، تحت تاثیر چه عوامل داخلی، شکل گرفته است؟

فرضیات :

۱-به نظر میرسد ، عمق و تاثیر نفوذ اندیشه های اصلاحی ترکان جوان و تقابل انان با دولتمردان عثمانی، بیشتر ناشی از تحصیل انان در کشورهای غربی بوده است.

۲- به نظر میرسد ، جنبش ناسیونالیستی پان ترکیسم همراه با تداوم حرکت مشروطه خواهان، مسبب تقابل ترکان جوان با دولتمردان عثمانی گردید.

۳- به نظر می رسد ، ادبیات حاکم بر قرون معاصر و امتزاج ان با ادبیات فضای داخلی حاکم بر ترک ها ، مسبب چنین تقابلی بوده است.

۴- به نظر می رسد ، ماهیت استبداد ستیزی ترکان جوان و فشار روزافزون حاکمان دستگاه دولتی ، مسبب چنین تقابلی بوده است.

کشورهای اروپایی و تحریک ترکان روشنفکر

به زعم ما ،اروپای غربی، به رهبری انگلیس، بر آن بود تا دولت عثمانی را نابود و سرزمین های آن را تقسیم کند. به همین دلیل از ایجاد جنبشهای ناسیونالیستی، آن هم به دست ترکان روشنفکر و فرهنگی که در غرب تحصیل کرده و آموزش های لائیک دیده بودند، کار را آغاز کرد. جنبش قوم گرایانه ترکی، جنبشی لائیک بود که در اصل بر پایه آگاهی طبقه متوسط، آن هم بخش فرهنگی آن، بنا شده بود. این بخش، شامل گروهی می شد که از آراء و افکار لیبرالی غرب تأثیر پذیرفته و افرادی از آن به مرور، مناصب حکومتی و اداری را در امپراطوری عثمانی عهده دار شده بودند. «این گروه، برای تحقق چهار هدف، حرکت خود را آغاز کردند: به دست آوردن آزادی فردی، ایجاد نظام مشروطه، از بین بردن نظام فئودالی، و آزادی وطن از سلطه اجنبی».[۱]

بدین ترتیب، طبقه حاکم یا گروه نخبه از این طایفه فرهنگی ترک، حرکت و جنبش خود را برای تحقق مشروطه و جلوگیری از استبداد سلاطین آغاز کردند. تردیدی وجود نداشت که جنبش اصلاحات به مقدار زیادی، به ایجاد جنبش جدید کمک کرد: «نخست آن که نظام فئودالی کهنه را به مقدار زیادی از بین برد. دوم آن که روش های غربی را در تمامی ساختار اداری دولت عثمانی، به خصوص ارتش، مورد استفاده قرار داد. و سوم آن که برای تمرکز قدرت در خود ترکیه و نیز ولایاتی که تابع دولت عثمانی بود، تلاش چشمگیری صورت گرفت».[۲]

ماهیت جنبش ضد استبدادی ترکان

به رغم آن که جنبش ضد استبدادی ترکی از سال ۱۸۵۹ میلادی آغاز شد ، یعنی زمانی که توطئه عزل و قتل سلطان عبد الحمید کشف و منجر به دستگیری رهبران آن و زندانی شدن ایشان شد ، اما باید گفت افکار آزادیخواهانه و مشروطه گری از سال های پیش از آن در عثمانی وجود داشت. این افکار در آغاز کار صادق رفعت پاشا که تأثیر خاص خود را بر اصلاحات زمان سلطان عبد الحمید و مصطفی رشید پاشا داشت، منعکس شده بود. همان گونه که محمد علی پاشا، والی مصر، مجلس شورای عمومی را در سال ۱۸۲۴ میلادی ایجاد کرد. «این مجلس ۱۵۶ عضو از صاحب منصبان حکومتی، علما و اعیان داشت و هر سال یک بار برای مدت چند روز تشکیل جلسه می داد تا در کار اداره کشور، مسئله آموزش و کارهای عمومی دیگر به بحث و مشاوره بپردازد».[۳]

سلطان عبد المجید نیز در سال ۱۸۴۵ میلادی مجلسی را در استانبول ایجاد کرد که شخصیت هایی از مناطق مختلف، که از هر ولایت دو نفر در آن حضور داشتند. این اقدام برای شناخت بهتر ولایات و مقدار نیاز آن ها به اصلاحات صورت گرفت. در سال ۱۸۵۸ میلادی، صادق بای (محمد پاشا) فرمانی را صادر کرد که به نام عهد الامان شهرت یافت. «در روزگار صادق بای و با تلاش وزیر خیر الدین پاشا، این قانون تعدیل شد و یک مجلس قانون گذاری با شصت عضو که قدرت زیادی داشت، تأسیس گردید. این مجلس حق داشت صادق بای را در صورتی که بر خلاف قانون یاد شده عمل کند، از حکومت عزل نماید».[۴]

«در سال ۱۸۶۶ میلادی ، اسماعیل پاشا در مصر، نخستین تجربه مجلس شورای منتخب را که شامل ۷۵ عضو بود، به مرحله عمل درآورد. قدرت این مجلس محدود و مصوبات آن تنها در چهارچوب ارائه پیشنهادهایی به والی بود ، در حالی که تصمیم آخر به عهده او بود».[۵]

ادبیات حاکم بر قرون معاصر، بخصوص قرن نوزدهم و تعمیم ان به جامعه ترکان

«به هر حال ، در دهه شصت قرن نوزدهم، انتقاداتی نسبت به کارهای دولتی مطرح شد و برنامه هایی برای مشروطه ارائه گردید. این مطلب به صورت عمومی در میان ادیبان، شاعران، و روشنفکران ترک مطرح شد که به خصوص می توان برجسته ترین آن ها را نامق کمال، ضیاء پاشا، و ابراهیم شناسی معرفی کرد. این قبیل افکار در مطبوعات این دوره یافت می شود»[۶]

از طرفی همچنین اشاره به جرایدی همچون : جریده الحوادث، ترجمال الاحوال، مرآه، عین وطن نیز خالی از لطف نیست.

در واقع، نامق کمال و دیگر روشنفکران ترک معاصر وی، در پشت سر حرکت مشروطه خواهی در روزگار سلطان عبد العزیز (۱۸۷۶ میلادی) قرار داشتند. سلطان عبد العزیز نیز رنگ دولت عثمانی را به صورت لائیک در آورد و به اجرای برخی از طرح های سودمند عمومی دست زد ، از جمله به اصلاح راه های ارتباطی پرداخت. وی همچنین نظام آموزشی لائیک را که شامل تأسیس مدارس ابتدایی و متوسطه بود و همه نوع شاگرد با هر گرایش دینی می توانست در آن تحصیل کند، به مرحله عمل در آورد. افزون بر اینها، در سال ۱۸۶۸میلادی ، دیوان عالی قضایی را ایجاد کرد که از عده ای برابر، ترکیبی از مسلمانان و مسیحیان تشکیل شده بود. «هم چنین در همان سال، به مانند فرانسه، مجلسی برای دولت تأسیس نمود که اختیارات قانون گذاری و اداری داشت و اعضای آن از مسلمانان و مسیحیان بودند».[۷]

با این حال، سلطان عبد العزیز در کار اصلاحات چندان کوشا نبود و بیشتر در صدد قانع کردن دولت های اروپایی بود ، آنچنان که چنین تصور شود که دولت عثمانی در حال اجرای اصلاحاتی بر پایه روش های اروپایی است. نتیجه آن می توانست قانع کردن دولت های اروپایی برای آن باشد که «دولت عثمانی صلاحیت ادامه حیات دارد و بدین ترتیب مانع مداخله آنان در این کشور به بهانه بهبود بخشیدن به وضعیت رعایای اقوام تحت فشار از جمله نصرانی ها شود».[۸]

ساطع الحصری می نویسد: «دولت عثمانی در دوره تنظیمات، در محدوده وسیعی بر پایه تقلید از غرب دست به اصلاحات و تغییرات زد و به اقتباس از روش های غربی پرداخت؛ در حالی که این دولت، در ساختار بنیادی خود اسلامی باقی ماند».[۹]

وی هم چنین می نویسد: همه چیز در دولت عثمانی، گاه با صفت عثمانی و گاه گونه اسلامی، وصف می شد ، اما به عنوان ترکی وصف نمی گردید. این زمان، اندیشه های ناسیونالیستی ترکی، به هیچ روی در اندیشه دولتمردان، فرهنگیان جامعه و نیز اذهان عامه مردم در مملکت وجود نداشت. از آنچه گذشت می توان دریافت که «ترکان عثمانی پیوند عمیقی با اندیشه ملی عثمانی اسلامی داشته و از گرایش قوم گرایانه ترکی به دور بوده اند. این وضعیت تا سقوط سلطان عبد الحمید دوم (۱۹۰۹ میلادی) نیز ادامه داشت».[۱۰]

جنبش ناسیونالیستی پان ترکیسم در تداوم حرکت مشروطه خواهان

به طور کلی، جنبش ناسینالیستی ترکی و در ادامه حرکت مشروطه گری، با جریان و جنبش ترکان جوان (ترکان آزاد و لیبرال) پیوند می یابد. بانیان این جنبش، ابتدا جمعیتی سری ایجاد کردند تا برنامه جنبش را تدوین کنند. در ژوئن سال ۱۸۶۵ میلادی مجموعه ای کوچک از عناصر ملی گرای ترک با گرایش های لیبرالی تأسیس گردید که شمار آنها به شش نفر می رسید. برجسته ترین آنان، نامق کمال و امیر مصطفی فاضل، از خاندان محمد علی و برادر خدیو اسماعیل ، بودند. اینها طی یک اجتماع پنهانی، جمعیه الشباب العثمانیین را ایجاد کردند. جالب توجه آن که «جمعیت ترکان جوان یا جمعیه الشباب العثمانیین برنامه ای درست مطابق برنامه کاربونای ایتالیا برای خود تنظیم کردند. این حرکت به سرعت رشد کرد و شمال اعضای آن در زمانی، تا ۲۴۵ عضو رسید».[۱۱]

نکته قابل توجه آن که قیام ترکان جوان به این معنا بود که طبقه فرهیخته ترک، این نیاز را احساس کرده که لازم است تا شماری از عناصر ملی، ضرورت اصلاحات را به دولت تفهیم و سپس تحمیل کنند ، به طوری که حرکت اصلاح از دستور کار خارج نشود. «همچنان که قیام ترکان جوان به آن اشاره داشت که طبقه فرهنگی ترک، نیروی واقعی خویش را شناخته و نیاز به بازگویی آن را برای عامه، دریافته است».[۱۲]

اعضای این جنبش، در آغاز، اندیشه های اصلاحی خویش را در خلال آثار ادبی عرضه می کردند. از این زمان به بعد بود که در میان نوشته های نویسندگان ترک ، تعبیرات و مفاهیم تازه ای در عرصه و حوزه اندیشه ترکی پدید آمد. «تعبیرهایی مانند آزادی فردی، وطن، مشروطه، پارلمان و ... از آن جمله بود. زمانی که کار از مرحله انتقاد گذشته، به انقلاب رسید و نیز با توجه به سیاست استبدادی سلطان عبد العزیز و تنفر وی از تمامی گرایش های نو، اعضای جمعیت به خارج از کشور گریختند و شماری از آنان در پاریس و برخی نیز در لندن اقامت گزیدند».[۱۳]

«در نهایت خشونت بر ضد مسیحیان به دخالت نظامی قدرتهای مسیحی در جده (۱۸۵۸میلادی) و لبنان و دمشق (۱۸۶۰میلادی) منجر شد. در بالکان، حاکمیت عثمانی در حال فروپاشی بود. مولداوی و والاکیا در قالب امیر نشین خود مختار رومانی، با یکدیگر متحد شدند (۱۸۶۱میلادی). بالاخره ترکان مجبور شدند تا استحکامات خود را در صربستان تخلیه کنند (۱۸۶۷میلادی) »[۱۴]

مهاجرت رهبران ترکان جوان به اروپای غربی، همزمان با آغاز تحول در جنبش قومی ترکیه از صحنه ادبیات به سیاست بود. در سال ۱۸۶۸ میلادی ، برای نخستین بار در لندن، نشریه ای که اندیشه اتحاد ترکان آزادیخواه (جریده الحریه) را ارائه می کرد، پدید آمد. رئیس تحریریه این جریده، رفعت بیک بود. شماره نخست این نشریه حاوی دو مقاله اساسی بود که هر دو متعلق به خامه نامق کامل بود. یکی تحت عنوان الوطنیه و دیگری الشوری. «در مقاله نخست بر اندیشه ناسیونالیستی و ملی تأکید شده و تکیه مقاله دوم بر لزوم مسئول بودن دولت عثمانی در قبال مردم بود. در حالی که بیشتر مقالات این نشریه بر اندیشه وطنی گری تکیه داشت و اکثر نویسندگان آن گرفتار تبعید و زندان شدند و تحت فشار قرار گرفتند».[۱۵]

«دلیل این فشار ها آن بود که دولت احساس کرد که افکار این گروه مورد استقبال عمومی قرار گرفته و در محدوده وسیعی بر اذهان افراد منتقد دولت، تأثیر گذاشته است.»[۱۶]

نتیجه

ترکان جوان با رسیدن به قدرت، برنامه‌ی توسعه‌ی عثمانی را از سر گرفتند. هدف نهایی آنان، متمرکزسازی قدرت در استانبول و تبعیت بی چون و چرای اقلیت‌های قومی و مذهبی بود. اصلاحات ترکان جوان منجر به سکولاریزه‌شدن نظام قضایی ، حق آموزش برای زنان و توسعه صنعتی کشور شد . با این حال، سیاست داخلی مدبرانه‌ی ترکان جوان، تحت‌الشعاع سیاست خارجی ضعیف آنها قرار گرفت. قدرت نظامی آلمان و همچنین تمایل به خروج از نفوذ بریتانیا ، باعث شد که رهبران عثمانی بی‌طرفی خود را زیر پا گذارند. امپراتوری عثمانی در ۱۹۱۵ میلادی به طرفداری از آلمان، وارد جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) شد . جنگ جهانی اول با شکست آلمان و متحدانش در ۱۹۱۸ به اتمام رسید. در ۹ اکتبر ۱۹۱۸، سران جمعیت اتحاد و ترقی ، از سمت خویش استعفاء کردند. یک ماه بعد، قرارداد مودروس به امضا رسید که به موجب آن، دولت عثمانی از کلیه‌ی مناطق تحت نفوذ خویش در خارج از آناتولی (شامل سرزمین‌های عربی و قفقاز) چشم پوشید . اگرچه نهضت ترکان جوان در نهایت با شکست مواجه شد، اما میراث اعتقادی آن در ترکیه تا به امروز باقی ماند. مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) بعدها از تجربیات و سرگذشت جمعیت اتحاد و ترقی بهره برد و طرح مدرنیزه‌سازی ترکیه را به پیش راند.

منابع

[۱]محمد انیس، الدوله العثمانی و الشرق العربی، ص ۲۴۶-۲۴۷

[2]برگرفته از Ram saur, E,E, The Young Turks. Prelude to The Revolution of 1908, P. 4 .

کتاب الدوله العثمانیه و شبه جزیره العربیه، ص ۴۲-۴۳.

. [3]رجب حراز، الدوله العثمانیه و شبه جزیره العربیه، ص ۴۴.

. [4]حبیب ثامر، هذه تونس، ۱۹۶۳، ص ۲۳؛ و بنگرید:

Lewis. B. The Emergece of Modern Turkey, PP. 110-111.

. [5]احمد عزت عبد الکریم، دراسات تاریخیه فی النهضه العربیه الحدیثه، ص ۵۴۴- ۵۴۵.

. [6]رجب حراز، الدوله العثمانیه و شبه جزیره العربیه، ص ۴۵.

[7] . Marriott, Sir. J.A., The Eaatern Question, PP. 311- 312.

. [8]محمد انیس، الدوله العثمانی و الشرق العربی، ص ۲۱۲.

. [9]ساطع الحصری، محاضرات فی نشوء الفکر القومیه، بیروت ۱۹۶۲، ص ۱۲۹- ۱۳۲.

. [10]ساطع الحصری، محاضرات فی نشوء الفکر القومیه، بیروت ۱۹۶۲، ص ۱۳۲- ۱۴۰.

. [11]رجب حراز، الدوله العثمانیه و شبه جزیره العربیه، ص ۴۷.

[12] . Ramsaur, E – E. The Young Turks, P. 3.

. [13]رجب حراز، الدوله العثمانیه و شبه جزیره العربیه، ص ۴۸.

. [14]تیمور قادری، تاریخ اسلام کمبریج، ج ۱ ، ص ۴۶۸.

[15] . Lewis, B, op. Cit., P. 151 - 152

. [16]رسول جعفریان، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص ۱۴۴- ۱۴۸.